

به نام خدا

درس سوم و چهارم

یه تیکه پارچه

مبلغ گرامی نام گذاری این درس با توجه به یک باور غلط در سطح جامعه نسبت به حجاب انتخاب شده است. در پایان این درس باید نگاه نوجوان نسبت به اینکه حجاب یه تیکه پارچه است و بود و نبود آن فرقی ندارد و بیشتر الزام حاکمیتی است تغییر کند و به حکمت و فلسفه آن بیشتر آشنا شود.

حجاب حامل پیام است.

در این بخش می خواهیم به صورت کلی به مخاطب بگوییم که حتی محققان خارجی هم به این مطلب اذعان دارند که حجاب دارای پیام است. این پیام توسط دیگران از جنس مخالف به راحتی درک می شود. کلیپ های متنوعی در این زمینه ساخته شده است. نظر یکی از محققان خارجی به عنوان مثال ذکر شده است.

تارلو، دانشمند انگلیسی در سال ۲۰۰۷ در پی بررسی اهمیت لباس و پوشش در چند شهر از جمله لندن بود. به طور کلی او دریافت پتانسیل انتقالی حجاب بسیار بالاست و حجاب تأثیر معناداری روی دیگران دارد.

Tarlo, E 2007. "Hijab in London : Metamorphosis, Resonance and Effects", Journal of Material Culture, Vol. 12, No.2, pp. 131-156.

در مورد فلسفه حجاب و عفاف از کتاب شهید مطهری استفاده کرده ایم.

ما برای پوشش زن از نظر اسلام فلسفه خاصی قائل هستیم که نظر عقلی آن را موجه می سازد و از نظر تحلیل می توان آن را مبنای حجاب در اسلام دانست. حقیقت امر این است که در مسأله پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن این است که آیا زن و تمتعات مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر تمتعات را ببرد یا نه؟.

اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد: خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان بیگانه ممنوع است و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل منع شده اند.

درست است که صورت ظاهر مسأله این است که زن چه بکند؟ پوشیده بیرون بیاید یا عریان؟ یعنی آن کس که مسأله به نام او عنوان می‌شود زن است و احياناً مسأله با لحن دلسوزانه‌ای طرح می‌شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر؟ اما روح مسأله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره‌کشی جنسی از زن، آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟ یعنی آن که در این مسأله ذی نفع است مرد است نه زن، و لااقل مرد از زن در این مسأله ذی نفع‌تر است.

به قول ویل دورانت:

«دامنه‌های کوتاه برای همه جهانیان به جز خیاطان نعمت است.» پس روح مسأله، محدودیت کامیابی‌ها به محیط خانوادگی و همسران مشروع، یا آزاد بودن کامیابی‌ها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه اول است.

از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

حجاب در اسلام از يك مسأله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصرأً برای کار و فعالیت باشد.

برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت‌جویی‌های جنسی به هم می‌آمیزد اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین

می‌گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۳۳

فلسفه پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتدال او.

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۳۴

اکنون به شرح چهار قسمت فوق می‌پردازیم:

۱. آرامش روانی.

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت يك عطش روحی و يك خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. غریزه جنسی غریزه‌ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد، همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند شعله‌ورتر می‌شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت:

۱. تاریخ همان طوری که از آزمندان ثروت یاد می‌کند که با حرص و آزی حیرت‌آور در پی گرد آوردن پول و ثروت بوده‌اند و هرچه بیشتر جمع می‌کرده‌اند حرص‌تر می‌شده‌اند، همچنین از آزمندانی در زمینه مسائل جنسی یاد می‌کند. اینها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف و تملک زیارویان در يك حدی متوقف نشده‌اند.

صاحبان حرم‌سراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته‌اند چنین بوده‌اند.

کریستن سن نویسنده کتاب ایران در زمان ساسانیان در فصل نهم کتاب خویش می‌نویسد:

«در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو (پرویز) در حرم داشت می‌بینیم. این شهریار هیچ‌گاه از این میل سیر نمی‌شد. دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هر جا نشان می‌دادند به حرم خود می‌آورد. هر زمان که میل تجدید حرم می‌کرد نامه‌ای چند به فرمانروایان اطراف می‌فرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج می‌کرد. پس عمال او هر جا زنی را با وصف نامه مناسب می‌دیدند به خدمت می‌بردند.»

از این گونه جریانها در تاریخ قدیم بسیار می توان یافت. در جدید این جریانها به شکل حرم سرا نیست، به شکل دیگر است، با این تفاوت که در جدید لزومی ندارد کسی به اندازه خسرو پرویز و هارون الرشید امکانات داشته باشد. در جدید به برکت تجدد فرهنگی، برای مردی که يك صدهزارم پرویز و هارون امکانات داشته باشد میسر

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۳۵

است که به اندازه آنها از جنس زن بهره کشی کند.

۲. هیچ فکر کرده اید که حس «تغزل» در بشر چه حسی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را ستایش می کند، به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچک ترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد ملك جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند»، از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟ آیا تاکنون دیده اید که يك آدم پول پرست برای پول، يك آدم جاه پرست برای جاه و مقام غزلسرایي کند؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرایي کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می آید؟ چرا همه از دیوان حافظ این قدر لذت می برند؟ آیا جز این است که همه کس آن را با زبان يك غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟ چقدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیتهای بشر عامل اقتصاد است!!.

بشر برای عشقهای جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنان که برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجتهای صرفاً مادی از قبیل آب و نان موسیقی ندارد.

من نمی خواهم ادعا کنم که تمام عشقها جنسی است و هم هرگز نمی گویم که حافظ و سعدی و سایر غزل سرايان صرفاً از زبان غریزه جنسی سخن گفته اند. این مبحث، مبحث دیگری است که جداگانه باید بحث شود.

ولی قدر مسلم این است که بسیاری از عشقها و غزلها عشق و غزلهایی است که مرد برای زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیر شدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آز و تنوع پرستی درمی آید و یا به صورت عشق و غزل. ما بعداً در این باره بحث خواهیم کرد که در چه شرایطی حالت حرص و آز جنسی تقویت می شود و در چه شرایطی شکل عشق و غزل پیدا می کند و رنگ معنوی به خود می گیرد.

به هر حال اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است.

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۳۶

روایات زیادی درباره خطرناک بودن «نگاه»، خطرناک بودن خلوت با زن، و بالأخره خطرناک بودن غریزه‌ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می‌دهد وارد شده است.

اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان تکلیف معین کرده است. يك وظیفه مشترك که برای زن و مرد هر دو مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ... قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ..

خلاصه این دستور این است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، نباید نگاههای مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. يك وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن این است که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند، به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه‌ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.

روح بشر فوق‌العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می‌گیرد.

همان‌طور که بشر - اعم از مرد و زن - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است.

هیچ مردی از تصاحب زیارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود.

و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می‌گردد.

چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچه‌ها انجام می‌شود.

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۳۷

اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلبها و دلها مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از این نوع حس شکارچیگری او ناشی می‌شود.

در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباسهای بدن نما و آرایشهای تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه به خود اسیر سازد. لهذا انحراف تبرج و برهنگی از انحرافهای مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.

ما درباره طغیان پذیری غریزه جنسی و اینکه برخلاف ادعای افرادی مانند راسل غریزه جنسی با آزاد گذاشتن کامل و خصوصاً با فراهم کردن وسایل تحریک هرگز سیر نمی‌شود و اشباع نمی‌گردد و همچنین درباره انحراف «چشم چرانی» در مردان و انحراف «تبرج» در زنان، باز هم بحث خواهیم کرد.

۲. استحکام پیوند خانوادگی.

شکی نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حد اکثر کوشش مبذول شود، و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود.

فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود؛ در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می‌شود.

علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می‌شود، جواب می‌دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه‌ایم، و یا به عناوین دیگر از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند همین است؛ و حال آنکه در قدیم یکی از شیرین‌ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد «شب زفاف را کم از تخت پادشاهی» نمی‌دانستند.

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۳۸

ازدواج در قدیم پس از يك دوران انتظار و آرزومندی انجام می گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می دانستند، ولی امروز کام جویهای جنسی در غیر کادر ازدواج به حد اعلی فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاقها وجود ندارد.

معاشرتهای آزاد و بی بند و بار پسران و دختران ازدواج را به صورت يك وظیفه و تکلیف و محدودیت درآورده است که باید آن را با توصیه های اخلاقی و یا احیاناً- چنانکه برخی از جراید پیشنهاد می کنند- با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد.

تفاوت آن جامعه که روابط جنسی را محدود می کند به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی، با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می شود این است که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت، و در اجتماع دوم آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آنها را ملزم می سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می بخشد.

سیستم روابط آزاد اولاً موجب می شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باز زنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می نهد اقدام به ازدواج کنند و در این موقع زن را فقط برای فرزند زادن و احیاناً برای خدمتکاری و کلفتی بخواهند، و ثانیاً پیوند ازدواجهای موجود را سست می کند و سبب می گردد به جای اینکه خانواده بر پایه يك عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر يك از زن و شوهر همسر خود را عامل سعادت خود بداند برعکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببیند و چنانکه اصطلاح شده است یکدیگر را «زندانبان» بنامند.

وقتی پسر یا دختری می خواهد بگوید ازدواج کرده ام، می گوید برای خودم زندانبان گرفته ام. این تعبیر برای چیست؟ برای اینکه قبل از ازدواج آزاد بود هر کجا بخواهد برود، با هر کس بخواهد برقصد، بلاسد، هیچ کس نبود که بگوید بالای چشمت ابروست. ولی پس از ازدواج این آزادیها محدود شده است، اگر يك شب دیر به خانه بیاید مورد مؤاخذه همسرش قرار می گیرد که کجا بودی؟ و اگر در محفلی با التهاب با دختری برقصد همسرش به او اعتراض می کند. واضح است که روابط خانواده در چنین سیستمی تا چه اندازه سرد و سست و غیر قابل اطمینان است.

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۳۹

بعضیها مانند برتراند راسل پنداشته‌اند که جلوگیری از معاشرتهای آزاد صرفاً به خاطر اطمینان مرد نسبت به نسل است؛ برای حل اشکال، استفاده از وسائل ضد آبستنی را پیشنهاد کرده‌اند؛ در صورتی که مسأله، تنها پاکی نسل نیست؛ مسأله مهم دیگر ایجاد پاکترین و صمیمی‌ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تأمین این هدف وقتی ممکن است که زوجین از هرگونه استمتاع از غیر همسر یا همسران قانونی چشم‌پوشند، مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز درصدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر کادر خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد.

به علاوه، زنی که تا اینجا پیش رفته است که به پیروی از امثال راسل و تقلید از صاحبان مکتب «اخلاق نوین جنسی» با داشتن همسر قانونی عشق خود را در جای دیگر جستجو می‌کند و با مرد مورد عشق و علاقه خود همبستر می‌شود، چه اطمینانی هست که به خاطر همسر قانونی که چندان مورد علاقه‌اش نیست وسائل ضد آبستنی به کار برد و از مرد مورد عشق و علاقه خود آستن نشود و فرزند را به ریش همسر قانونی نبندد؟ قطعاً چنین زنی مایل است که فرزندی که به دنیا می‌آورد از مرد مورد علاقه‌اش باشد نه از مردی که فقط به حکم قانون همسر اوست و الزاماً به حکم قانون نباید از غیر او آستن شود. همچنان مرد نیز طبعاً علاقه‌مند است که از زن مورد عشق و علاقه‌اش فرزند داشته باشد نه از زنی که با زور قانون به او پیوند کرده‌اند. دنیای اروپا عملاً نشان داده است که با وجود وسائل ضد آبستنی آمار فرزندان غیر مشروع وحشت‌آور است.

۳. استواری اجتماع.

کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده‌گیری کرده‌اند و گفته‌اند:

«حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است.

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۴۰

آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد- بلکه علم و دانش را فریضه مشترك زن و مرد دانسته است- و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار و بی‌عبار بنشیند و

وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست.

آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذت‌جوییهای شهوانی است.

آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه‌ای تحصیل کنند و فرضاً در يك محیط درس می‌خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچ گونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می‌خوانند و فکر می‌کنند و به سخن استاد گوش می‌کنند یا وقتی که کنار هر پسری يك دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا يك وجب بالای زانو نشسته باشد؟ آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می‌شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ اگر باور ندارید، از کسانی که در این محیطها کار می‌کنند پرسید. هر مؤسسه یا شرکت یا اداره‌ای که سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد از این نوع آمیزشها جلوگیری می‌کند. اگر باور ندارید تحقیق کنید.

حقیقت این است که این وضع بی‌حجابی رسوا که در میان ماست و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می‌افتیم از مختصات جامعه‌های پلید سرمایه داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی‌ها و شهوت‌رانیهای سرمایه داران غرب است، بلکه یکی از طرق و وسائلی است که آنها برای تخدیر و بی‌حس کردن اجتماعات انسانی و در آوردن آنها به صورت مصرف‌کننده اجباری کالاهای خودشان به کار می‌برند.

«اطلاعات» ۵ / ۹ / ۴۷ گزارشی از اداره کل نظارت بر مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی نقل کرده است. درباره لوازم آرایش چنین می‌نویسد:

«تنها در ظرف يك سال ۲۱۰ هزار کیلو مواد و لوازم آرایش از قبیل ماتیک، سرخاب، کرم، پودر، سایه چشم برای مصرف خانمها وارد شده است. از این مقدار

مجموعه آثار شهید مطهری (مسأله حجاب)، ج ۱۹، ص: ۴۴۱

۱۸۱ هزار کیلوگرم آن انواع کرم بوده است. در این مدت به ۱۶۵۰ قوطی و ۲۵۰۰ دوجین پودر صورت و ۴۶۰۴ عدد روژ لب، ۲۲۸۰ عدد صابون لاغری، ۲۲۸۰ آمپول آرایشی اجازه ورود داده شده است. البته باید ۳۱۰۰ عدد سایه چشم و ۲۴۰۰ خط چشم را نیز به آن اضافه کرد.»

آری باید زن ایرانی به بهانه «تجدد» و «تقدم» و «مقتضیات زمان» هر روز و هر ساعت با وسائلی که در دنیای سرمایه داری تهیه می‌شود خود را در معرض نمایش بگذارد تا بتواند چنین مصرف‌کننده لایقی برای کارخانه‌های اروپایی

باشد. اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف کننده لایقی برای سرمایه داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.

در جامعه‌های غیر سرمایه داری با همه احساسات ضد مذهبی که در آنجا وجود دارد کمتر شنیده می‌شود که چنین رسواییها به نام آزادی زن وجود داشته باشد.

۴. ارزش و احترام زن.

قبلاً گفتیم که مرد به‌طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد. از نظر مغز و فکر نیز تفوق مرد لااقل قابل بحث است. زن در این دو جبهه در برابر مرد قدرت مقاومت ندارد، ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است.

حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیقتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می‌شود.

بعداً در تفسیر آیات سوره احزاب خواهیم دید که قرآن کریم پس از آنکه توصیه می‌کند زنان خود را بپوشانند می‌فرماید: «ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْدَيْنَ» یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی‌دهند بهتر است و در نتیجه دور باش و حشمت آنها مانع مزاحمت افراد سبکسر می‌گردد.

بی‌حجابی خانم‌ها چه ضرری برای دیگران دارد؟

پاسخ این سؤال را با سخن یکی از بزرگان آغاز میکنیم که میگوید:

اسلام میخواهد انواع التذاهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد. اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویهای جنسی به هم میآمیزد. اسلام میخواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند. (مسأله حجاب، شهید مطهری، ص ۶۸)

خواهرم به نظر شما اگر محیط کار، درس، تحقیق، آزمایش و تولید کالاهای مختلف محیطی خالی از زمینهای وسوسه‌ی شیطان و دور از نگاههای آلوده و سخنهای غرضآلود باشد میزان موفقیت بیشتر است، یا هنگامی که توجه هرکسی در این محیطها به جنس مخالف باشد؟

نداشتن پوشش مناسب بانوان و مهار نکردن نگاه آقایان و اختلاط زن و مرد در محیطهای مختلف فعالیتهای اجتماعی به قدری آثار زیانبار دارد که اگر کمی در آنها دقت شود، قطعاً هیچ زن و مرد متعهد و دلسوز جامعه حاضر نیست به چنین وضعی راضی شود. خواهرم، من یقین دارم تو اگر در آنچه برایت مینویسم دقت کنی و متوجه شوی با عدم رعایت پوشش مناسب چه صدمات جدی و مهمی به افراد و جامعه وارد میشود، هرگز حاضر نیستی در این جرائم سهیم باشی.

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۹

برخی از ضررهای رعایت نکردن پوشش بانوان

الف - برهم خوردن آسایش روانی

هنگامی که مردان و زنان در جامعه با حالتی برانگیزاننده ظاهر و هر لحظه با صحنهای وسوسه‌گر مواجه شوند، هوسها و امیال نفسانی در افراد جامعه بیدار شده و از آنجا که نفس انسان با رسیدن به یک هوس سیر نمیشود و این هوسبازی همچون شعله‌ی آتشی میماند که هر چه هیزم به آن برسد فروزانتر میشود، و از طرفی همهی هوسها پاسخ خود را نمیباید و نمیتواند بیابد، فشارهای عصبی و هیجانات روحی کم کم زیاد میشود و نتیجه‌ی آن در شکل استرس، نگرانی، تفرق حواس، بداخلاقی و ... ظاهر میشود.

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۰

ب - سست شدن بنیاد خانواده

مردی که هر روز دهها زن آرایش کرده و بیحجاب را میبیند و در محیط کار و در مسیر حرکت با آنان مواجه میشود، بویژه هنگامی که لبخند و سخنان صمیمی و دلنشین آنان را میبیند و میشوند، وقتی به خانه میرود از مشاهده همسر خود که از زحمات کار روزانه خسته و غبار گرفته است لذت نمیبرد. در این صورت کافی است که از تعهد و تقوی هم کم بهره باشد تا همسر خود را با آن بانوان مقایسه کند و در نتیجه از زندگی خود دلسرد گردد و زمینهی انحراف و کژروی و احیاناً جدایی فراهم شود. بارها در جراید خوانده یا از اشخاص شنیده‌ایم که آقایی با خانمی که در محیط کار یا تحصیل او ازدواج کرده و به تقاضای او، همسر قبلی خود را طلاق داده است. افزایش طلاق، افزایش تعداد کودکان فراری و خیابانی، کثرت فرزندان نامشروع که ناشی از اختلافات خانوادگی و بیملی زن و شوهر نسبت به ادامه زندگی است قابل انکار نیست و بیشتر این موارد ریشه در توجه به زنان و مردان کوچ و خیابان و محل کار دارد.

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۰

خواهرم، تو تصور میکنی چرا جوانان امروز کمتر میل به ازدواج دارند؟ در قدیم که محیط عمومی از خودنمایی زنان محفوظتر بود، شیرینترین آرزوی جوانان ازدواج بود و در سنین ابتدایی بلوغ، جوانان به سراغ ازدواج میرفتند. اما متأسفانه امروز میبینیم برخی از جوانان زمانی که نشاط و شور دارند به کامجویی از دختران و زنان بیحجاب مشغول اند و زمانی ازدواج میکنند که زن را تنها برای خدمتکاری و خلاصی از اصرار والدین به ازدواج میخواهند و نشاطی برای زندگی ندارند.

راستی اگر این همه صحنه‌های برانگیزاننده و چهره‌ها و آرایشهای گوناگون را نمیدیدند باز هم چنین بود؟ چه کسی باید خسارت ازهم پاشیدگی خانواده‌ها، دربهدری فرزندان، افزایش اضطراب و فشارهای عصبی و تبعات این وضع را بپردازد؟ آیا خانمی که با عدم رعایت پوشش لازم و یا لباسها و زینتها و آرایشهای مهیج در کوچ و خیابان و محل کار ظاهر میشود متوجه آثار عمل خود هست؟ و آیا ممکن است عامدانه چنین کند؟

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۱

ج- تضعیف فعالیت های اقتصادی و فرهنگی در جامعه

خواهرم، از تو میپرسم: در کارگاهی که همه مرد باشند یا همه زن، کارها بهتر و با دقت بیشتر انجام میشود، یا آنجا که دائم توجه مردی معطوف قیافهی خانمی آراسته باشد و بالعکس؟ آیا در کلاسی که پسر و دختر در فکر ارتباط با یکدیگر و مشاهدهی طرز لباس پوشیدن و راه رفتن و حرف زدن یکدیگر هستند بیشتر تحصیل علم و کمال میشود یا آنجا که افراد همجنس در یک کلاس هستند و تمام توجه معطوف درس و استاد است؟!

بسیار روشن است که اختلاط زن و مرد و عدم رعایت پوشش لازم از سوی برخی زنان و نیز روحیهی هوسرانی برخی مردان، ذهنها را مشغول میکند و بازده کارها را کاهش میدهد. علاوه بر این، بارها اتفاق افتاده جوانی که با علاقه مشغول فعالیت اقتصادی شده یا با اشتیاق مشغول تحصیل بوده با مشاهدهی زنان و دختران جوانی که بدون پوشش صحیح و با خودنمایی و جلوه فروشیهای مسموم در جامعه ظاهر شدهاند تحریک شده و به وادی هرزگی و پوچی درغلتیده و درس و کار را رها کرده و سر از زندان یا مراکز فساد و اعتیاد درآورده است. آیا جبران خسارت ضایع شدن عمر این جوانها کار سادهای است؟ و آیا ضرری که از این ویرانگریهای فکری و فرهنگی متوجه جامعه میشود خسارتی ناچیز و قابل جبران است؟

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۲

د- افزایش ناامنی و خیانت :

سارقان همیشه در پی سرقت و تصاحب اموال دیگران هستند، اما هنگامی که شخصی بی احتیاطی میکند و مثلاً در خودرو خود را باز میگذارد یا درب منزل را نمیبندد و یا طلا، جواهرات و پول خود را در معرض دید قرار میدهد بیشتر در معرض دستبرد قرار میگیرد چرا که سارقان زمینه را برای فعالیت خود مهیاتر میکنند.

همین طور افراد بیمار دل و کسانی که دنبال هوسرانی و کامجویی هستند، وقتی خانمی را مبینند که پوشش لازم را ندارد و یا در مکانهای عمومی با آرایش و لباسهای برانگیزاننده حضور پیدا کرده، بیشتر تحریک میشوند، به او تعرض

میکنند و با ایجاد مزاحمت‌های مختلف به اذیت و آزار می‌پردازند تا آنجا که آبرو و حتی جان چنین خانم‌هایی بارها به دست این گونه افراد به خطر افتاده است.

اگر پرونده‌ی جانیانی که با عنوان‌هایی نظیر خفاش شب، گروه عقرب، گروه باغ آلو و ... محاکمه شده اند را مرور کنی میبینی تقریباً تمام کسانی که به دام اینان افتاده و پس از تحمل آزارهای فراوان جان خود را از دست داده اند، خانم‌هایی بوده اند که پوشش لازم و خدایسند را نداشته اند. و متأسفانه اینگونه قربانیان حوادث ناگوار کم نیستند و شک ندارم که اکثر آن قربانیان هرگز نه قصد ایجاد ناامنی در جامعه داشته اند و نه از جان خود سیر شده بودند، بلکه به گمان خود میخواستند با لباس و آرایش مورد علاقه خود در کوچه و خیابان ظاهر شوند. غافل از اینکه این کار چه نتایج تأسفباری به دنبال دارد. تداوم چنین مسائلی باعث افزایش ناامنی و فساد در جامعه و از بین رفتن آسایش فردی و اجتماعی خواهد شد.

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۳

ه - کم شدن ارزش و احترام زن در خانواده و جامعه :

هنگامی که زنان در جامعه خودآرایی و خودنمایی نکنند و زینت و آرایش و دلربایی را به محیط خانواده محدود کرده، ویژه‌ی همسران خود قرار دهند، هر مردی برای همسر خود ارزش و احترام لازم را قائل است و نعمت زیبایی و سیل‌های برای گرمی زندگی و حفظ حرمت همسران میشود. اما زمانی که این کار همگانی شود و هر مردی به راحتی از دهها زن در کوچه و خیابان با نگاه و ارتباط نادرست بهره برد، دیگر حرمت جایگاه زنان و نقش اصلی امتیازات واقعی آنان به فراموشی سپرده خواهد شد و زنان تنها وسیله‌ی میشوند برای کامجویی مردان. و در چنین شرایطی است که ممکن است مردی در کمال بیانصافی و نمک شناسی به همسر خود بگوید: «زن، هرچه بخوایم در کوچه و خیابان ریخته است». چه زشت است این تعبیر، و چه سنگین است جرم کسانی که سبب میشوند ارزش زن تا این حد پایین بیاید. و از این دردناکتر سوء استفاده‌ی پول پرستان و دنیا طلبان از دختران و زنان و تبدیل کردن آنان به کالا و بلکه کمتر از کالا است. عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۴

چقدر تأسفور است که میبینیم برای فروش یک مجله و به دست آوردن پول بیشتر، از چاپ عکس یک خانم روی جلد آن استفاده میکنند و برای جلب مشتری بیشتر فروشندگی خانم در فروشگاه میگذارند و برای افزایش تماشاچیان یک فیلم کسانی را که حاضرند خودنمایی بیشتر کنند به کار میگیرند. آیا این استفاده‌ی ابزاری از زن توهین به مقام زن نیست، و آیا زنانی که خود را از نگاه دیگران حفظ نمیکنند باعث این بیحرمتیها نسبت به خود و دیگر زنان نشده اند؟

موضوع ابزار شدن زنان و استفاده از چهره و زیبایی آنان به حدی گسترش یافته که گاهی در جرایم میخوانیم حتی زنانی که به نظر میرسد، انسانهایی هنرمند، مفید و آگاهی بخش هستند، خود به این حقیقت تلخ اعتراف میکنند.

به این عبارات که اعترافات یک هنرپیشه‌ی معروف سینماست توجه کن :

من خودم را ستاره به معنی کسی که فروش یک فیلم را تضمین کند نمی دانم. منتقدان مطبوعات و نشریات در نقد فیلم های من زیاد به بازیهایم توجه نمی کنند. این روزها احساس بدی به من دست داده است. خیلی بد است که یک بازیگر به این نتیجه برسد که تماشاگران صرفاً برای دیدن چهره اش به سینما می آیند نه به خاطر بازی اش. خودم به این نتیجه تلخ رسیده ام که باید در بازی هایم تجدید نظر کنم... روزنامه خراسان: دوشنبه ۸۰/۶/۲۶

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۵

آری این نتیجه بسیار تلخ است که به جای توجه به هنر، علم، تلاش و فعالیتهای صحیح و رشدآور، توجه جامعه به چهرهها و هوسرانیها معطوف شود، اما باید پاسخ این سؤال را بیابیم که چه کسانی به این سوءاستفادهها و این بیحرمتیها دامن میزنند و چه شیوهی پوشش و حضوری زمینهساز این تلخیهاست؟ آیا اگر زنان جز با رعایت پوشش و وقار لازم حاضر به حضور در اجتماع نباشند و از عشوہ گری و برخورد های سبکسرانه و وسوسهانگیز پرهیز کنند و اجازهی استفاده ابزاری از خود را به دیگران ندهند، باز هم این رویدادهای تلخ تکرار میشود؟

عدالتیان، مهدی. (۱۳۸۲). نامه‌ای به خواهرم، مشهد: نشر شاملو، ص ۱۶

پیامدهای بدحجابی

شمسایی و شگری زاده (۱۳۹۹) با انجام مصاحبه عمیق با ۴۰ نفر از دانشجویان دختر از ۱۱ دانشکده دانشگاه علوم پزشکی شیراز به این نتیجه دست یافتند که

(شمسایی و شگری زاده، ۱۳۹۹، ص ۶۱۱)^۱

پنجمین بعد در خصوص بررسی و تحقیق راجع به مسئله حجاب، پیامدهای بدحجابی است. پیامدهای بدحجابی به دو قسمت مجزای پیامدهای مستقیم و پیامدهای غیر مستقیم قابل تفکیک است.

مقوله پیامدهای مستقیم، در واقع عنوان کلی مبحث کاهش امنیت فردی و افزایش میل به خودنمایی است. مفاهیم اولیه کاهش امنیت فردی، شامل میل به فرار از محیط ناامن، نفرت از نگاه بد مردان، ترس از رفتارهای تحقیرآمیز مردان، برچسب خوردن به علت رفتار بد دیگران، ترس از سوء استفاده در محیط کار، عدم امنیت در هنگام خروج از منزل و اجبار به سکوت در مقابل مزاحمت‌های خیابانی است. مفاهیم مذکور هر کدام به نوعی آسیب‌های غیر مستقیم بدحجابی را در جامعه نشان می‌دهند که متأسفانه روز به روز شاهد رخداد چنین پیامدهایی در جامعه هستیم.

دومین مقوله از مبحث پیامدهای مستقیم بدحجابی، افزایش میل به خودنمایی است که مفاهیم اولیه آن عبارتند از: نشان ندادن چهره طبیعی زن به همسر، پذیرش مردسالاری، تحریک کردن بقیه خانمها به سمت خودنمایی و جلب توجه و تابلو شدن.

مقوله پیامدهای غیر مستقیم بدحجابی به سه دسته تقسیم میشود: افزایش مشکلات عاطفی - اخلاقی بین دو جنس؛ تهدید نهاد خانواده؛ افزایش آسیب‌های اجتماعی.

^۱ شمسایی، مریم و شگری زاده، طاهره. (۱۳۹۹). شناسایی علل حجاب‌گریزی و روش‌های تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مجله تخصصی نور: فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۳۷، صص ۵۹۵-۶۲۰

ارتباط بدحجابی با برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف، تحریک شدن به علت لباسهای تنگ، کشاندن نگاهها به سمت خود، افزایش افسردگی، واکنش سریع مردان به علت تحریک شدن و افزایش مشکلات عاطفی، اخلاقی و ارتباطی با جنس مخالف، همگی از زیرشاخه های این مقوله اند.

تهدید نهاد خانواده به عنوان دومین مقوله از پیامدهای غیر مستقیم بدحجابی نیز شامل مفاهیم ذیل میشود: افزایش طلاق در جامعه، از چشم افتادن زنان سادهپوش در مقابل همسرانشان، متنوع شدن ذائقه و سلیقه در مردان، از هم گسیختگی خانوادگی و بیندوباریها، افزایش خیانت در مردان متأهل و تن ندادن پسران مجرد به ازدواج.

شمسایی، مریم و شکری زاده، طاهره. (۱۳۹۹). شناسایی علل حجاب‌گریزی و روشهای تأثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی شیراز، مجله تخصصی نور: فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۳۷، صص ۵۹۵-۶۲۰، ص ۶۱۲

سومین و آخرین مقوله نهایی از بحث پیامدهای غیر مستقیم بدحجابی، افزایش آسیبهای اجتماعی است که مفاهیم ذیل را در بر میگیرد: آسیبهای مزاحمت‌های کلامی، افزایش مزاحمت‌های خیابانی و مشکلات پس از آن، افزایش ارتباط نامشروع، افزایش معضلاتی مانند بیکاری، تأخیر در ازدواج و افزایش نگاه ابزاری به زنان.

نتایج این قسمت با یافته‌های امامی و همکاران مطابقت دارد. آنان در یافته‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که دو عامل غیر مستقیم زمینه‌ای بسیار مهم؛ یعنی اشتغال بانوان و تأخیر ازدواج، از پیامدهای بدحجابی محسوب میشوند (امامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶۹).

امامی، مجید؛ محمدکاظم طاهری و مجید مطهرنژاد (۱۳۹۳). «شبکه عوامل، زمینه‌ها و راه‌حلهای مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران؛ بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه زمینه‌ای». فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، ش ۳: ۴۷۸-۴۵۳

در عین حال بسیاری از مطالعات نشان میدهند مردان به زنان محجبه احترام می‌گذارند؛ زیرا داشتن حجاب مانع میشود که جاذبه‌های جنسی زن آشکار و هویدا شود. برای مثال، پژوهش رید و بارتکوفسکی ۱ نشان میدهد که بسیاری از زنان، حجاب را رعایت میکنند؛ زیرا تصور میکنند به این ترتیب مورد احترام مردان خواهد بود. (رید و باتکوفسکی، ۲۰۰۰: ۳۹۵-۴۱۷)

Read, G. Jennan & P. John Bartkowski (2000). "To Veil or not to Veil? A Case Study of Identity Negotiation among Muslim Women in Austin". *Texas, Gender and Society*, June (2000), 14

(3).26